

Autumn and Winter 2025, 2 (4), 62-78.

A look at the cultural and art-loving activities of Mohammad Qoli Khan Ilkhani Qashqai

Babak Zeilabpour¹  

1. Corresponding Author, PhD in Post-Islamic Iranian History, University of Isfahan and Secretary of Education, Shahreza, ISFAHAN, IRAN. E-mail: babak.zeilabpour@gmail.com

Article Info	ABSTRACT
<p>Article type: Research</p> <p>Article history: Received: 31 May 2025 Accepted: 7 August 2025 Published online: 6 March 2026</p> <p>Keywords: Cultural activities, Art of Friendship, Fars Province, Mohammad Qoli Khan Qashqai, Ilkhanid.</p>	<p>Mohammad Qoli Khan Qashqai (1283-1224 AH) was the son of Jani Khan of the Shahi Lu (Jani Khan Lu) family. He held the position of Ilbeigi and Ilkhanid of the Qashqai tribe and the province of Fars. Mohammad Qoli Khan was considered an influential person in the Qajar period, politically and materially. The question in question is what kind of cultural and artistic activities did Mohammad Qoli Khan Ilkhani carry out? The present article is written using library resources (printed sources and manuscripts) and with a descriptive-analytical method. The research findings show that Mohammad Qoli Khan Ilkhani built public and private buildings and gardens in Firuzabad and Shiraz. He was a literate person with a literary taste, especially in poetry, and he was very interested in the arts of calligraphy and painting. One of the characteristics of Mohammad Qoli Khan's artistic and literary taste was his attention to manuscripts; For this reason, copies were copied in his name or at his request. The most prominent example of Mohammad Qoli Khan's love of books is his financial support for Davari Shirazi to complete the book known as Davari's Shahnameh.</p>

Cite this article: Zeilabpour, Babak, Second. (2025). A look at the cultural and art-loving activities of Mohammad Qoli Khan Ilkhani Qashqai. *New Researches in the Studies of the History of Islam and Iran*, 2 (4), 62-78.



© The Author(s).

Publisher: Lorestan University.

DOI: <http://doi.org/10.22034/nriihs.2026.2086347.1080>

سال دوم، شماره دوم (پیاپی ۴)، پاییز و زمستان ۱۴۰۴، ۶۲-۷۸.

نگاهی به فعالیت‌های فرهنگی و هنردوستی محمد قلی خان ایلخانی قشقایی

بابک زیلاب پور^۱

۱. دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام دانشگاه اصفهان و دبیر آموزش و پرورش، شهرضا، اصفهان، ایران. رایانامه: babak.zeilabpour@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: ترویجی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۱۲</p> <p>پذیرش نهایی: ۱۴۰۴/۰۵/۱۶</p> <p>تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۲/۱۵</p>	<p>محمدقلی خان قشقایی (۱۲۸۳-۱۲۲۴ق) فرزند جانی خان از خاندان شاهی لو (جانی خان‌لو) بود. او منصب ایل‌بیگی و ایلخانی‌گری ایل قشقایی و ایالت فارس را بر عهده داشت. محمدقلی خان از نظر سیاسی و مادی، شخصی بانفوذ در دوره قاجاریه حساب می‌آمد. سؤال مورد نظر آن است که محمدقلی خان ایلخانی چه نوع فعالیت‌های فرهنگی و هنری انجام می‌داد؟ مقاله حاضر با استفاده از منابع کتابخانه‌ای (منابع چاپی و نسخه‌های خطی) و با روش توصیفی - تحلیلی نوشته شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد محمدقلی خان ایلخانی بناها و باغ‌هایی عام‌المنفعه و خصوصی در فیروزآباد و شیراز بنا کرد. او فردی باسواد و با ذوق ادبی به ویژه در شعردوستی بود و به هنرهای خوشنویسی و نقاشی علاقه وافری داشت. از ویژگی‌های هنردوستی و ذوق ادبی محمدقلی خان توجه به نسخه‌های خطی بود؛ به همین دلیل نسخه‌هایی به نام یا به سفارش او استنساخ شد. بارزترین نمونه کتاب‌دوستی محمدقلی خان حمایت مالی از داوری شیرازی برای تکمیل کتاب مشهور به شاهنامه داوری است.</p>

کلیدواژه‌ها:

فعالیت‌های فرهنگی، هنردوستی، ایالت فارس، محمد قلی خان قشقایی، ایلخانی.

استناد: زیلاب پور، بابک (۱۴۰۴). نگاهی به فعالیت‌های فرهنگی و هنردوستی محمد قلی خان ایلخانی قشقایی. پژوهش‌های نوین در مطالعات تاریخ اسلام و ایران، سال دوم، شماره ۲ (۴)، ۶۲-۷۸.



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه لرستان.

۱. مقدمه

ایل قشقایی یکی از ایل‌های بزرگ جنوب ایران است که بیشترین محدوده جغرافیایی مناطق بیلاقی و قشلاقی اش در ایالت فارس بزرگ قرار داشت. خاندانی که بر ایل قشقایی ریاست می‌کرد شاهی‌لو نام داشت که بعداً به خاندان جانی‌خان‌لو معروف شدند. جانی‌خان قشقایی (متوفی: صفر ۱۲۳۲)^۱ فرزند اسماعیل خان (متوفی: ۱۱۹۳/۱۱۹۲ق) بود. او که ابتدا منصب ایل‌بیگ داشت از طرف سلسله قاجار با لقب ایلخانی به مملکت فارس گمارده شد. جانی‌خان پنج پسر به نام‌های حاجی حسینقلی خان، محمدعلی خان، مرتضی‌قلی خان، مصطفی‌قلی خان و محمدقلی خان^۲ داشت (حسینی‌فسایی، ۱۳۶۷: ۱۱۰۳-۱۱۰۰/۲؛ معین‌دفتر، ۱۳۹۹: ۱۰۸). پس از درگذشت جانی‌خان ابتدا حاجی حسینقلی خان و سپس محمدعلی خان ملقب به ایلخانی می‌شوند و مرتضی‌قلی خان نیز به منصب ایل‌بیگی ایلات فارس رسید. با کشته شدن مرتضی‌قلی خان ایل‌بیگی در سال ۱۲۴۹ق محمدقلی خان به مقام ایل‌بیگی ایل قشقایی و ایلات فارس منصوب گشت. او که تا زمان درگذشت برادر بزرگ‌ترش محمدعلی خان ایلخانی در سال ۱۲۶۶ق منصب ایل‌بیگی داشت در شوال ۱۲۶۷ از طرف ناصرالدین شاه ملقب به ایلخانی شد و تا زمان مرگش در سال ۱۲۸۳ق با لقب و منصب ایلخانی مملکت فارس، بدون معارض با کمال قدرت در فارس بر بیشتر ایلات ریاست و نظارت کرد و ایلخانی ایل قشقایی و ایلات مملکت فارس بود (حسینی

فسایی، ۱۳۶۷: ۱۱۰۳-۱۱۰۰؛ معین‌دفتر، ۱۳۹۹: ۹۹).^۳ محمدقلی خان ایلخانی که از نظر سیاسی و مادی فردی قدرتمند و ثروتمند و از خاندان بومی شاهی‌لو (جانی‌خان‌لو) قشقایی در لیلالت فارس بود، ابتدا با دختر میرزا محمدعلی خان مشیرالملک و خواهر میرزا ابوالحسن خان مشیرالملک ازدواج کرد. حاصل این ازدواج سلطان محمد خان ایلخانی و حاجیه قمرخانم احتجاب‌السلطنه به دنیا آمدند. محمدقلی خان در بار دوم با دختر قاسم‌خان کلانتر طایفه کشکولی ازدواج کرد که حاصل این وصلت یک دختر به نام حاجیه آذرگشسب بود (معین‌دفتر، ۱۳۹۹: ۱۰۱؛ کشکولی، ۱۴۰۱: ۱۳۱-۱۳۵).

پژوهش حاضر به بررسی و شرح ابعاد فرهنگی و هنردوستی محمدقلی خان می‌پردازد. سؤالی که در مقاله حاضر پاسخ داده می‌شود این است که محمدقلی خان ایلخانی چه نوع فعالیت‌های فرهنگی و هنری انجام می‌داد؟ می‌توان فرض کرد که او به عنوان فردی ایلپاتی صرفاً به شعر و شاهنامه‌خوانی علاقه‌مند بود. پیش از این، پژوهشی در موضوع فعالیت‌های فرهنگی و هنری محمدقلی خان ایلخانی انجام نشده است. مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای نوشته شده است.

۲. بناها و باغ‌های ایلخانی

محمدقلی خان ایلخانی بناها و باغ‌های عام‌المنفعه و خصوصی در فارس بنا نمود که این بناها عبارتند از:

۱. فارسنامه ناصری تاریخ درگذشت جانی‌خان را سال ۱۲۳۹ق نوشته است (حسینی‌فسایی، ۱۳۶۷: ۲/۱۱۰۱)؛ اما براساس اسناد نویافته تاریخ درگذشت جانی‌خان صفر ۱۲۳۲ می‌باشد.

۲. در کتاب تاریخ قوام‌الملک سال فوت محمدقلی خان به علت بیماری خناق ۱۲۸۲ق و در دوره حکمرانی حسام‌السلطنه بر فارس ذکر شده است. فارسنامه ناصری نیز تاریخ فوت محمدقلی خان را سال ۱۲۸۴ق نوشته است (قوام‌الملک، ۱۳۹۶: ۲۴-۲۳؛ حسینی‌فسایی، ۱۳۶۷: ۲/۱۱۰۳)؛ اما تاریخ فوت او براساس سندی به احتمال زیاد سال ۱۲۸۳ق بوده است؛ چراکه در زمان

۳. حسینی‌فسایی در فارسنامه ناصری تاریخ رسیدن محمدقلی خان به مقام ایلخانی را ۱۲۶۸ق نوشته، اما چون که برادرش محمدعلی خان ایلخانی بوده و تاریخ فوت وی براساس تاریخ سنگ قبرش ۱۲۶۶ق بوده است، بنابراین محمدقلی خان در سال ۱۲۶۶ق و نه سال ۱۲۶۸ق به مقام ایلخانی می‌رسد.

۶۶۲-۶۵۳؛ کشکولی، ۱۴۰۱: ۱۶۲؛ پارس، شماره ۴۰۷۱، ۲۵۳۶: ۴-۵؛ حاجی پیرزاده، ۱۳۴۲: ۹۷).

۳. هنردوستی و ذوق ادبی محمدقلی خان

آگوستوس مانسی^۳ در سال ۱۲۸۳ ق محمدقلی خان را برای بار دوم در اقامتگاهش در شیراز ملاقات کرد. مانسی او را دومین فرد قدرتمند فارس پس از حسام‌السلطنه حاکم فارس معرفی می‌کند که بیش از ۲۵۰۰۰ سیاه‌چادر زیر نظرش بوده است. مانسی محمدقلی خان را مردی «با جثه‌ای تومنند، قامتی بلند و ابهتی خاص که تیزهوشی و زیرکی در نگاهش موج می‌زند و کلاه بلندی بر سر و ردایی آراسته بر تن داشت» توصیف کرده است (H. Mounsey, 1872: 247-248؛ ابرلینگ، ۱۳۹۳: ۷۱). ظل‌السلطان محمدقلی خان را فردی معقول و صاف کرده و می‌نویسد: «در تمام عمری که کرده‌ام آنچه از رجال دولت و شاهزادگان بزرگ و علما و حکما دیده‌ام از هر سلسله و هر طبقه سه نفر در همه چیز و همه فن، تمام و عاقل به نظر من آمد یکی محمدقلی خان ایلخانی ایل قشقایی که بسیار آدم فهمیده‌ای است و از همه چیز درست، دیگر آقا محمدابراهیم امین‌السلطان پدر میرزا علی‌اصغر خان امین‌السلطان و دیگری حسین خان نظام‌الدوله شاهسون از ایل اینالو» (ظل‌السلطان، ۱۳۶۸: ۱/۲۰۳). محمدقلی خان ایلخانی فردی باسواد و با ذوق ادبی بود و به نسخه‌های خطی و هنرهای چون خوشنویسی،

۱. ساخت یک دستگاه عمارت مجلل در کوشک فیروزآباد معروف به باغ گلشن

۲. ساخت دو سه باغ در فیروزآباد

۳. بنا کردن ساختمان‌هایی مشهور به اندرون حاج کاظم در فیروزآباد^۱

۴. ساخت کاروانسرای چنار راهدار

۵. تجدید بنای بقعه بی‌بی دختران در محله میدان شاه شیراز که بر اثر زلزله خراب شده بود و توسط محمدقلی خان ایلخانی دوباره ساخته شد.

۶. ساخت حسینیه ایلخانی در محله میدان شاه شیراز

۷. بنای باغ ایلخانی و عمارت‌هایی با اندرون و خارج و خلوت و حمام و طویله بزرگ و بالاخان‌ها و دیوانخانه و حبس خلنه در محله میدان شاه که محل استقرار و حکم سلسله قشقایی بود. در این ساختمان نقاشی‌ها و تابلوهای نقاشی، کار لطفعلی نقاش شیرازی و اشعاری از فرزندان وصال شیرازی (داوری، یزدانی، فرهنگ و غیره) وجود داشت.

۸. ساخت بنای اولیه باغ ارم توسط محمدقلی خان ایلخانی که سپس حاجی نصیرالملک آن را خریداری کرد.^۲ اما نویسنده فارسنامه ناصری بنای اولیه باغ ارم را به جانی خان قشقایی نسبت داده است (فرصت شیرازی، ۱۳۷۷: ۱/۱۹۰؛ حسینی فسلی، ۱۳۶۷: ۲/۱۲۲۷؛ معین‌دفتر، ۱۳۹۹:

۱. باغ توسط جانی خان قشقایی ساخته شده است (بهادری قشقایی، تاریخ مصاحبه: خرداد ۱۴۰۲).

۳. آگوستوس هنری مانسی (۱۸۸۲-۱۸۳۴م) پسر جورج گیل مانسی، دیپلمات انگلیسی که از سال ۱۸۵۷م شغل خود را در لیسبون آغاز کرد. مانسی در ۱۸۶۵م به ایران رفت. پس از قتل عام یهودیان در شهر بارفروش در ۱۸۶۶م مانسی به همراه چارلز آلیسون دیپلمات انگلیسی مقیم ایران به قربانیان کمک نمود. در ۱۸۷۳م مانسی به عنوان سرکنسول موقت به بوداپست رفت. از جمله آثار او «سفر از طریق قفقاز به داخل ایران» که در ۱۸۷۲م در لندن منتشر شد. همچنین او گزارش دست اول و مفصلی از شورش ساتسوما در ژاپن که در سال ۱۸۷۷م روی داد، نوشت.

۱. محمدحسن میرزا مهندس قاجار و علی خان مهندس که در سال ۱۳۰۷ق به شرح منازل راه تهران- شیراز اقدام کردند در مورد باغ‌ها و عمارت‌های ساخت محمدقلی خان در فیروزآباد نوشته‌اند: «در این قصبه [فیروزآباد] دو قطعه باغ و عمارت ممتاز محصور به دیوارهای عظیمه از بناهای مرحوم محمدقلی خان ایلخانی و جناب سلطان محمد خان ایلخانی حاضر و مشاهده شده که از حیث اشجار و اثمار و عمارات لندرون و بیرون و سایر لوازم متعلقه نهایت امتیاز دارد» (دو سفرنامه از جنوب: ۱۸۳).

۲. داریوش خان بهادری قشقایی از نوادگان جانی خان قشقایی معتقد است که بنای اولیه و ساختمان اصلی در پشت بنای کنونی باغ ارم در منتهی‌الیه غربی

نقاشی و شعر علاقه‌مند بود. او بر حسب ذوق و استعدادش شعر نیز می‌سرود. از جمله شعری با مطلع شبی یاد دارم که در فصل دی/ همه جمع بودیم در شهر ری (کشکولی، ۱۴۰۱: ۱۳۶-۱۳۵). حاج میرزا حسن فسایی در وصف محمدقلی خان که همتی بلند و طبعی ارجمند داشت می‌نویسد:

ملاذ طوایف، مظهر عواطف، قدوة بزرگان زمان، زبده اعیان دوران، صاحب ذیل اقتدار، نادره دهور و اعصار، امیرالامرا محمدقلی خان ایلخانی که مادر دهر مانندش نزاید و ابنای زمان برای خدمتش نشاید. در درستکاری رایت افراشت و در راستگویی مانند نداشت، تا در قید حیات بود، نام دزدی را کسی در فارس نشنید و طریقه ناهنجاری از ایلات، کسی ندید. خطوط استادان خط را بهتر از خوشنویسان شناختی و محاسن شعر را از شعرا بهتر دانستی. در هر حرفه و صنعت بصیرتی خاص داشتی (حسینی فسایی، ۱۳۶۷: ۱۱۰۳-۱۱۰۰/۲).

در ایل قشقایی به ویژه در دستگاه ایل بیگان و ایلخانان قشقایی شاهنامه‌خوانی معمول بود. محمدقلی خان نیز به شاهنامه‌خوانی توجه می‌کرد محمدابراهیم معروف به میرزا مآذون شاعر مشهور ایل قشقایی ابتدا نزد حاجی باباخان کیخا کلاتر طایفه دره‌سوری به شغل مکتب‌داری مشغول بود. او بعداً توسط خویشاوندش ملا غلامحسین شیخ‌هابیلی، شاهنامه‌خوان معروف محمدقلی خان وارد دستگاه ایلخانی شد. میرزا مآذون بیشتر شب‌ها برای محمدقلی خان شاهنامه می‌خواند و به میرزا ابراهیم شاهنامه‌خوان معروف گردید. او در دستگاه محمدقلی خان سرودن شعر را با تخلص محزون آغاز کرد؛ اما پس از مدت نامعلومی از نزد ایلخانی رفت و به برادرزاده‌های محمدقلی خان (سهراب خان و داراب خان) پیوست. پس از آن، میرزا

مآذون در سرزنش محمدقلی خان و دستگاه اداری اش شعری ترکی با مطلع ظلمونان دستگاهی قروران بی‌خبر/ یقنر بو دستگاه ناتمام بیرگون، می‌سراید (شهبازی، ۱۳۶۷: ۱۰۲، ۲۰-۱۸؛ معین‌دفتر، ۱۳۹۹: ۴۸۹). در این شعر او به ظلم محمدقلی خان و مکافات اعمالش اشاره کرده است که ظاهراً این شعر به رقابت‌های سیاسی، اختلاف‌های خانوادگی و مدعیان ایلخانی‌گری مربوط می‌شود.

محمدقلی خان که در هر حرفه و صنعتی اطلاعات و ذوق خاصی داشت در جمع‌آوری اشیا نفیس سلیقه و ابتکار مخصوصی به خرج می‌داد. او که اتاق موزه‌ای داشت از وسایل و اشیا نفیسی چون شمشیر، کارد، قلیان طلا و نقره، میناکاری، چوب‌های شش‌پردار کار نوبندگان، فلاخن، تفنگ مخصوص گلوله‌گلی و غیره از هر کدام ۸۰۰ عدد در آنجا نگهداری می‌کرد. در این اتاق موزه، اشیا دیگری چون تعداد زیادی از اسباب تعزیه از جمله زره و چهار آینه و سپر و کلاه‌خود و کمربندهای زرین از طلای ناب، زین‌های آراسته به طلا و رشمه‌های^۱ طلا، چادرهای پوش بزرگ مخصوص تعزیه وجود داشتند. همچنین محمدقلی خان ایلخانی مرقع‌ها و کتاب‌های متعددی با خطوط نستعلیق و شکسته نستعلیق از میرعماد و درویش عبدالمجید اصفهانی و سایر استادان خط جمع‌آوری کرده بود. در عمارت‌ها و بناهای عالی که داشت نقاشی‌ها و تابلوهای نقاشی اغلب به قلم لطفعلی خان نقاش معروف شیرازی کشیده شده بودند. محمدقلی خان ایلخانی تابلوهایی مانند نقاشی از فرزندان جانی خان و تابلوی مربوط به فتح پایتخت هندوستان توسط نادر شاه و در ساعتی که پادشاه هند تاج سلطنت را دو دستی تقدیم نادر شاه کرده و پرده‌های نقاشی مربوط به شکل عرفی شیرازی و مجلس درس اطفال پادشاه دوران عرفی و تابلو

۱. رشمه افساری مخصوص است که از طلا یا نقره می‌ساختند و بر اسب‌های خاصه هنگام سواری می‌بستند.

نقاشی شیخ صنعان و مریدان و دختر ترسا و صدها تابلو دیگر که اغلب کار لطفعلی خان شیرازی و سایر نقاش‌های ماهر بود نگهداری می‌کرد (معین دفتر، ۱۳۹۹: ۱۰۱-۹۹). حسن امداد در بخشی‌هایی از کتابش با عنوان تاریخ آموزش و پرورش در فارس، مدرسه‌ها و کتابخانه‌های فارس را شرح می‌دهد. او نام پنجاه و سه مدرسه فارس در دوره اسلامی همچون مدرسه زاهده خاتون، مدرسه عضدیه، مدرسه خان را توضیح می‌دهد. یکی از مدارسی که از طرف امداد معرفی می‌شود، مدرسه حسینیّه ایلخانی است که مدتی محل مدرسه کمالیه بود و سال‌ها دبیرستان حیات در آن حسینیّه تشکیل می‌شد (امداد، ۱۳۸۵: ۱۲۰).^۱ همچنین امداد کتابخانه‌های خصوصی دوره قاجار در ایالت فارس همچون کتابخانه وصال، کتابخانه گلشن، کتابخانه ذوالریاستین، کتابخانه شعاع و کتابخانه خلدان امام‌جمعه را شرح داده است. او از کتابخانه ایلخانی مربوط به محمدقلی خان قشقایی یاد کرده و در باب فعالیت‌های فرهنگی‌اش می‌نویسد:

محمدقلی خان قشقایی مردی شعردوست و ادب‌پرور بود و کتابخانه ذی‌قیمتی در خانه خود ترتیب داد و عده‌ای از خوشنویسان را برای استنساخ کتب استخدام کرد. کتاب‌های گران‌بها را می‌خرید. از جمله شاهنامه به خط و نقاشی داوری وصال را که از شاهکارهای عصر قاجار به شمار می‌رفت به قیمت گزاف خریداری کرد و همچنین دیوان انوری به خط حکیم را ابتیاع نمود. این کتابخانه پس از مرگ ایلخانی از میان رفت (امداد، ۱۳۸۵: ۱۷۹).

۴. محمدقلی خان و نسخه‌های خطی

در مورد توجه محمدقلی خان به کتابت و استنساخ کتب تاکنون چند نسخه خطی شناسایی شده است که به نام یا با حمایت مالی محمدقلی خان ایلخانی کتابت شده‌اند. این کتاب‌ها با عنوان‌های آتشکده آذر، دیوان انوری ابیوردی، خلاصه عباسی، روضه‌الصفاء، لویح جامی، سبحة‌الابرار و طریق‌التحقیق، قرآن مجید، لیلی و مجنون و شاهنامه داوری شیرازی هستند که معرفی و شرح این نسخه‌ها در ادامه مطالب می‌آید.

کتاب آتشکده آذر سروده لطفعلی بن آقاخان آذر بیگدلی (۱۱۳۴-۱۱۹۵ق) است. این کتاب به سفارش محمدقلی خان ایل‌بیگی مملکت فارس توسط محمد مهدی فرزند میرزا رفیع شیرازی کتابت شده است. در پایان نسخه کاتب نوشته است: «حسب‌الفرمایش عالی‌جاه مقرب‌الخاقان محمدقلی خان ایل‌بیگی مملکت فارس، کتبه محمد مهدی ابن مرحوم میرزا رفیع شیرازی، به تاریخ غره شهر شعبان المعظم سنه هزار و دویست و شصت و چهار هجری نبوی تمت». این نسخه که در کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی قم نگهداری می‌شود از نظر نسخه‌شناسی، به قطع وزیری با کاغذ آهار مهره دست‌ساز نخودی رنگ درست شده که تعداد سطرهایش در هر صفحه ۲۱ سطر و با خط نستعلیق عالی نوشته شده است. مطالب کتاب با بیت در طواف حرم دیدم دی مغ بچه‌ای می‌گفت/ این خانه بدین خوبی آتشکده بایستی، شروع می‌شود. از لحاظ تزیینات در صفحه ابتدایی کتاب، سرلوح بسیار زیبا و عالی ترسیم شده است. دو صفحه ابتدایی تذهیب زیبا به رنگ‌های طلایی، آبی لاجوردی، قرمز، سبز، سیاه، آبی و غیره دارد که فضای میان

امداد می‌نویسد: «مدرسه حسینیّه ایلخانی را جانی خان قشقایی در حدود سال ۱۲۲۰ق در محله میدان شاه بنا نهاده است» (امداد، ۱۳۸۵: ۱۲۰). گویا امداد در باب ساخت مدرسه ایلخانی توسط جانی خان اشتباه کرده است. اما آن‌گونه که فرصت شیرازی در کتابش نوشته است مدرسه ایلخانی توسط محمدقلی خان پسر جانی خان ساخته شد.

۱. بعضی بنیانگذاران مدارس در وقت‌نامه‌ها قید می‌کردند که چند روز ایام محرم و صفر را در مدرسه عزاداری و اطعام مساکین کنند. به همین سبب مدرسه را به صورت حسینیّه یا حسینیّه را به شکل مدرسه در آورده‌اند. مدرسه حسینیّه ایلخانی و مدرسه حسینیّه قوام و حسینیّه مشیر در اصل ساختمان مدرسی دارند ولی ایام عاشورا مراسم سوگواری در آن‌ها برگزار می‌شد. همچنین

خطوط، ابری دندان موشی طلائی رنگ هستند. صفحه‌های دیگر با جدول‌های چهارستونی به رنگ‌های قرمز، طلائی، آبی، سبز و بنفش ترسیم شده‌اند (آشکده آذر، شماره برگ‌ها: ۱۴-۵-۲-۱؛ تصویر شماره ۱).

دیوان انوری ابیوردی کتابی است که محمود حکیم شیرازی (۱۲۳۴-۱۲۷۴ق) پزشک، خوشنویس، شاعر و دومین فرزند میرزا محمدشفیع وصال شیرازی آن را در ۱۲۶۴ق در شیراز کتابت کرده است. حکیم شیرازی دیوان انوری را با خط نستعلیق فاخر برای محمدقلی خان ایل‌بیگی قشقایی کتابت کرد. حکیم شیرازی در پایان دیوان قطعه شعری در مورد اتمام کتاب و مدح محمدقلی خان ایل‌بیگ سروده که آغاز و انجام آن این گونه است، آغاز: شاد و خرم باش زین پس ای کتاب مستطاب/ زآنکه چشم بخت تو بیدار خواهد شد زخواب، انجام: تا جهان ماند بماند خان به گیتی شادمان با کتاب و با رباب و با کباب و با شراب. دیوان انوری که حاوی تزییناتی چون گل و بته، تذهیب و سرلوحه‌های عالی و زیبا است در کتابخانه عمومی رئیسی اردکانی شیراز نگهداری می‌شود (انوری ابیوردی، شماره برگ‌ها: ۳۹۳-۲-۱-۶۵-۳۹۰).

کتاب خلاصه عباسی اثر محمد خوبی تلخیصی از کتاب سنگلاخ به قلم میرزا مهدی خان استرآبادی منشی نادر شاه است.^۱ استنساخ کتاب در ۲۳ رجب ۱۲۶۵ به پایان رسیده اما نام کاتب نامشخص است. در پایان کتاب نوشته شده است: «حسب الفرموده عالی جاه رفیع جایگاه مقرب الخاقان سرکار محمدقلی خان ایل‌بیگی مملکت فارس دام عزه‌العالی کتاب سنگلاخ سمت تحریر پذیرفت». کتاب خلاصه

عباسی در کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی به شماره ۸۵۵ نگهداری می‌شود. از نظر نسخ‌شناسی خلاصه عباسی به قطع وزیری با کاغذ ترمه به ابعاد ۱۸×۱۹ سانتی‌متر در ۶۵ برگ و به خط نستعلیق خوب نوشته شده است. صفحه ابتدایی نسخه دارای سرلوح بسیار زیبا و ممتاز است و حاشیه‌های دو صفحه نخستین دارای تذهیب و نقاشی ظریفی هستند و بین سطرهای این دو صفحه تشعیر مرصع با آب طلا کار شده است. تمام صفحات کتاب با رنگ‌های ارغوانی، لاجورد و طلائی جدول‌بندی شده‌اند (خلاصه عباسی، شماره برگ‌ها: ۲۰-۴-۱؛ تصویر شماره ۲).

کتاب روضة‌الصفاسیرت الامناء و الملوك و الخلفاء اثر محمد بن امیر خاوندشاه معروف به میرخواند (۹۰۳-۸۳۸ق) است. این اثر هفت جلدی در یک مجلد توسط محمود حکیم شیرازی به سفارش و فرمایش محمدقلی خان ایلخانی در مدت شش سال (۱۲۶۶-۱۲۶۱ق) در ۶۲۰ صفحه کتابت شده است. محمدقلی خان این کتاب را به فیروز میرزا نصره الدوله فرمانفرمای مملکت فارس پیشکش کرده است. حکیم شیرازی کتاب روضة‌الصفارا با خط نستعلیق فاخر و یک دست و عالی کتابت نموده است. صفحه‌های ابتدایی هر یک از هفت جلد دارای سرلوحه‌هایی بسیار زیبا و عالی هستند. پس از سرلوحه‌ها، صفحه‌ها جدول‌کشی و تسمه‌بندی شده‌اند. نسخه روضة‌الصفابا کتابت حکیم شیرازی در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران نگهداری می‌شود (روضه‌الصفابا، شماره برگ‌ها: ۵۰۱-۳۶۴-۷۴-۱-۲).

شاه قاجار به دستور عباس میرزای نایب‌السلطنه به نام وی نوشته و خلاصه عباسی نامیده است. این کتاب از نظر حجم، یک دهم اصل کتاب نیست (درایتی، ۱۳۹۱: ۱۳/۹۲۱).

۱. کتاب سنگلاخ فرهنگ لغات ترکی (مغولی و جغتایی) به فارسی اثر میرزا مهدی خان استرآبادی در قرن ۱۲ق است و خلاصه عباسی گزیده‌ای از آن کتاب است که میرزا محمد بن عبدالصبور خوبی‌الاصغر تبریزی معروف به حکیم باشی یا همان محمد خوبی پزشک مخصوص محمدشاه و ناصرالدین

تهران نگهداری می‌شود، نسخه‌ای نفیس با جلد روغنی به نقش گل و بوته (پشت و رو) با زمینه طلایی است. نوع کاغذ قرآن مجید، خان‌بالیغ در ۲۴۵ برگ می‌باشد که متن آن به خط نسخ نوشته شده، اما متن پایانی که کاتب نام سفارش دهنده قرآن را آورده با خط اجازه و توقیع نوشته شده است. از نظر تزیینات نسخه، جلد کتاب روغنی گل و بوته با زمینه طلایی است. همچنین شش صفحه اول، سرسوره‌ها و تقسیمات، مذهب، علائم وقف شنگرف، فواصل آیات ستاره زرین و شنگرف و جدول‌کشی با کمنده هستند (قرآن مجید، شماره برگ‌ها: ۱-۶).

غلامعلی فرزند آقا محمدرحیم اصفهانی کاتب قرآن مجید در حدود سال ۱۲۰۵ق در محله مسجد جامع اصفهان به دنیا آمد. او در زمره بزرگ‌ترین خوشنویسان خط نسخ در آمد. آقا غلامعلی علاوه بر حسن خط از آواز خوشی بهره‌مند بود. وی از دوستان نزدیک آقا زین‌العابدین اشرف‌الکتاب محسوب می‌شد که از دوران جوانی با یکدیگر دوست بودند و ظاهراً هر دو نفرشان نزد آقا محمود خوشنویس، تعلیم خط می‌گرفتند. این دو استاد هنر خوشنویسی، هر یک در زمینه‌ای مهارت داشتند. آقا غلامعلی در ظرافت، تند و تیزی و لطافت ترکیب مهارت داشت و خط اشرف‌الکتاب در استحکام و پختگی بی‌نظیر بود. اشرف‌الکتاب و آقا غلامعلی هر دو سرآمد استادان در خط نسخ و رقاع بودند و شاگردان بسیاری تربیت کردند که از جمله آنان پرتو معروف به آقا جان، میرزا محمدعلی سلطان‌الکتاب، میرزا محمدعلی قاری و سید محمد بقا بودند. غلامعلی اصفهانی در مدت عمرش ۱۳ و به روایتی ۱۸ قرآن نوشت. وقتی که غلامعلی اصفهانی فوت شد در مقبره آقا که جزو قبرستان قدیمی طوقچی اصفهان

محمود حکیم شیرازی پسر وصال شیرازی کتاب دیگری با عنوان لویح جامی را برای محمدقلی خان قشقایی در سال ۱۲۶۸ق کتابت نمود. این نسخه در ۵۳ صفحه به خط نستعلیق ممتاز می‌باشد. صفحه ابتدایی لویح دارای سرلوحة زیبا است. صفحه دوم با رنگ‌های سبز و قهوه‌ای جدول‌کشی شده‌اند. بین خطوط به رنگ قهوه‌ای به صورت ابری و دندانه موشی ترسیم شده است. در صفحه‌های دیگر، متن‌ها درون جداولی به رنگ قهوه‌ای قرار دارند. کتاب لویح در کتابخانه کاخ گلستان تهران نگهداری می‌شود (لویح، کتابخانه کاخ گلستان تهران، شماره برگ‌ها: ۱-۴).

کتاب دیگر سبحة‌الابرار جامی و طریق‌التحقیق سنایی غزنوی است که هر دو در یک جلد کتابت گردیده است. نیمه اول کتاب توسط آقا فتحعلی حجاب شیرازی خوشنویس مشهور کتابت شده و نیمه دوم کتاب به خط محمود حکیم شیرازی فرزند وصال شیرازی با خط نستعلیق فاخر نیم دانگ کتابت شده است. این کتاب به امر محمدقلی خان ایلخانی قشقایی و مملکت فارس در سال ۱۲۷۰ق کتابت گردیده است. جلد کتاب سبحة‌الابرار و طریق‌التحقیق دارای ترنج وسط و دو سرترنج و چهار لچک ترنج ضربی زمینه سرمه‌ای گل و مرغ برجسته طلایی است. کتاب دارای دو سرلوحة بسیار زیبا، فاخر با رنگ‌های متنوع است. حاشیه صفحه‌های اول و دوم با گل و بته و با رنگ‌های بسیار زیبا ترسیم گردیده و دیگر صفحه‌ها جدول‌کشی شده‌اند. نسخه سبحة‌الابرار و طریق‌التحقیق در کتابخانه کاخ گلستان نگهداری می‌شود (سبحة‌الابرار و طریق‌التحقیق، شماره برگ‌ها: ۱-۲).

کتاب دیگر قرآن مجید است که غلامعلی بن محمدرحیم لطفعلی اصفهانی کتابت کرده است. کاتب در پایان نسخه نوشته است که کتابت برحسب فرمایش محمدقلی خان ایلخانی مملکت فارس در سال ۱۲۷۱ق به پایان رسیده است. کتاب قرآن مجید که در کتابخانه و موزه ملی ملک در

شاهنامه داوری به اندازه جلد ۲۸۵×۴۳۵ سانتی متر در کل ۱۲۳۲ صفحه و به خط نستعلیق نوشته شده است. شاهنامه داوری که از مکتب هنری عصر قاجار پیروی می‌کند، شامل ۶۸ نقاشی و مجلس می‌شود که ۵۵ مجلس، رقم لطفعلی شیرازی و ۱۳ مجلس رقم داوری را دارد (شریف‌زاده، ۱۳۷۰: ۲۴۷). نسخه کامل شاهنامه داوری که با حمایت مالی محمدقلی خان ایلخانی قشقایی و مملکت فارس کتابت و نقاشی شده است، در موزه رضا عباسی تهران نگهداری می‌شود (شاهنامه داوری شیرازی، شماره برگ‌ها: ۲۰-۱۳-۲).

کاتب و نقاش شاهنامه، محمد متخلص به داوری سومین فرزند پسر محمدشفیع وصال شیرازی (۱۲۶۲-۱۱۹۷ق) است که در سال ۱۲۳۸ق متولد شد. پدرش او را در کودکی به مکتب فرستاد و از همان زمان، خوب نوشتن را به محمد آموخت. داوری علوم ادبی، ریاضی و حکمت الهی را از پدرش و دیگران کسب نمود. هفت خط را مانند پدرش خوب می‌نوشت، اما در نوشتن خط نسخ تعلیق و شکسته، نسبت به دیگر خطوط مهارت بیشتری داشت. در نقاشی و تذهیب استاد بود. زبان و ادبیات ترکی را نزد حاجی اسدالله خان تحصیل نمود و در ادبیات ترکی به پایه‌ای رسید که اشعار زیادی به ترکی سرود و کتاب فرهنگ بزرگ در لغت ترکی به فارسی مدون نمود. او همچنین شاعری چیره‌دست بود که دیوان شعرش پانزده هزار بیت دارد و نیز داستان خوانین مغول و حمله به ایران را به بحر تقارب سرود. از دیگر آثار داوری، کتابی در معانی و بدیع و رساله‌ای در فن عروض است. چون خوشنویسی در روزگار وی رونق و بازار داشت، نسخه‌ای از مثنوی مولانا و خاقانی شروانی را به خط شکسته و دو نسخه

است به خاک سپرده شد (فضائل، ۱۳۶۲: ۳۶۶-۳۶۴؛ تصویر شماره ۳).

اثر دیگری که به محمدقلی خان مربوط می‌شود و شناسایی شده است کتاب لیلی و مجنون به قلم مکتبی شیرازی (قرن نهم و دهم هجری قمری) است که توسط میرزا ابوالقاسم انجوی برای محمدقلی خان ایلخانی فارس کتابت گردیده است. کتاب لیلی و مجنون که در کتابخانه سلطنتی کاخ گلستان تهران نگهداری می‌شود، تاریخ کتابت ندارد اما با توجه به سال‌های ایلخانی‌گری محمدقلی خان (۱۲۸۳-۱۲۶۶ق) کتابت این اثر باید در خلال این سال‌ها انجام گرفته باشد. کتاب لیلی و مجنون با اندازه صفحات ۸×۱۲/۶ سانتی متر در ۱۲۶ صفحه به خط شکسته نستعلیق خوش نوشته شده است. از لحاظ تزئینات، کتاب دارای جلد تیماج مذهب قرمز دولایی و سرلوح‌دار با کاغذ ترمه دست‌ساز است. دو صفحه ابتدایی نسخه مجدول، تمام مرصع با رنگ‌هایی چون طلایی، لاجورد و شنگرف هستند. همچنین تمام صفحات جدول‌کشی و مذهب طلایی به سبک مکتب شیراز ترسیم شده‌اند و فاصله بین خطوط، دندانه موشی طلایی و ابری با حاشیه‌نگاری در زوایای مورب دارند. برای مشخص شدن مطالب، عناوین با رنگ شنگرف نوشته شده‌اند (لیلی و مجنون، شماره برگ‌ها: ۱۵ و ۲-۱؛ درایتی، ۱۳۹۱: ۶۴۰-۶۳۴/۲۷؛ تصویر شماره ۴).

کتاب دیگری که محمدقلی خان ایلخانی در کتابت آن مؤثر بود، شاهنامه فردوسی معروف به شاهنامه داوری شیرازی اثر محمد بن وصال شیرازی متخلص به داوری است. تاریخ شروع کتابت این نسخه خطی بسیار نفیس ۱۲۷۰ق و آخرین نگاره‌هایش ۱۲۸۰ق می‌باشد. کتاب

فهمید که آقا غلامعلی اصفهانی در تاریخ ۱۲۷۱ق زنده بوده است و سال ۱۲۶۹ق صحیح نمی‌باشد.

۱. گرچه فضائل در کتاب بسیار ارزشمندش سال درگذشت آقا غلامعلی اصفهانی را ۱۲۶۹ق آورده است، اما براساس تاریخ ۱۲۷۱ق درج شده در آخر کتاب قرآن مجید که به سفارش محمدقلی خان قشقایی کتابت شده، می‌توان

از دیوان حافظ را با خط برجسته نوشت و از بهای آن روزگار گذرانید. داوری در حدود سال‌های ۱۲۷۹-۱۲۷۷ق به تهران مسافرت کرد و به دستور ناصرالدین شاه مدتی در تهران ماند و استاد مسعود میرزا (یمین‌الدوله و ظل‌السلطان بعدی) گردید. داوری شیرازی مانند پدر و برادرانش جزء مریدان میرزای سکوت و از پیروان طریقت ذهبیه بود. او در سن چهل و پنج سالگی به سال ۱۲۸۳ق درگذشت و در جوار مزار پدر و برادرش و میرزای سکوت (مرشد پدرش) در شیراز به خاک سپرده شد. ارتباط خاندان وصال شیرازی با خاندان قشقایی صرفاً مختص داوری شیرازی نبود، بلکه مسبوق به سابقه می‌باشد. محمدشفیع وصال شیرازی پدر داوری با محمدعلی خان ایلخانی قشقایی و مملکت فارس ارتباط و دوستی داشت که نتیجه این دوستی، تألیف کتاب بزم وصال است. همچنین با درگذشت محمدعلی خان قشقایی در ۱۲۶۶ق داوری در مدح وی شعری سرود که بر سنگ مزارش حک شده است.

مهم‌ترین اثر داوری کتابت و نقاشی کتاب شاهنامه فردوسی است که آن را با خط بسیار زیبا بر کاغذ ممتازی نوشت و بخش عمده‌ای از تذهیب، نقاشی و جلد کتاب کار خودش بود. داوری کار کتابت شاهنامه را مدتی طولانی در دست داشت.^۱ در این مدت او که از نظر مالی، روحی و جسمی ضعیف شده بود، به منظور جلب نظر حامی قدرتمندی، اجزا و اوراق کارش را به نظر بیشتر بزرگان رساند؛ اما بزرگان فارس خواهان کارش نشدند؛ تا اینکه محمدقلی خان قشقایی ایلخانی فارس طالب شد و به تشویق روحی و حمایت مالی داوری پرداخت. پس داوری کار اتمام شاهنامه

را که از نظر خط و نقاشی بی‌نظیر است تمام کرد و شرحی در بحر تقارب، مشتمل بر زحمت خود و تعریف کتاب و مدح محمدقلی خان ایلخانی بر شاهنامه‌اش اضافه کرد. روزی که شاهنامه داوری تمام شد و قرار بود به محمدقلی خان ایلخانی تحویل داده شود، مردم شیراز جشن گرفتند و به تماشا آمدند. ایلخانی پیش از آن هر هفته به خانه داوری سر می‌زد و هدیه و خوار و بار و وسایل به او می‌داد. اما روز تحویل شاهنامه محمدقلی خان ایلخانی، مبلغ هفتصد تومان پول نقره را بار قاطر کرد و به خانه داوری آورد.^۲ به علاوه دوازده طاقه شال کشمیر، دوازده طاقه شال گجرات، دو اسب با زین مرصع و هدایای دیگر از گندم و جو و روغن و پنیر و سایر اشیا همراه او بود و خود محمدقلی خان پیشاپیش می‌آمد و مردم شیراز آن روز برای تماشا به محله سرباغ شیراز که خانه داوری در آنجا بود آمده بودند (دیوان‌بینگی شیرازی، ۱۳۶۶: ۶۰۵-۱/۶۰۴؛ نوایی، ۱۳۳۵: ۱۴۳-۱۳۳-۱۲۹؛ باستانی‌پاریزی، ۱۳۷۲: ۶۴۰-۶۳۹). تاریخ دقیق خواستار شدن شاهنامه توسط ایلخانی به درستی مشخص نیست، ظاهراً در اواخر سال ۱۲۷۷ق محمدقلی خان قشقایی کتاب را خریداری کرده است؛ اما بخش بزرگی از نقاشی‌های آن به پایان نرسیده بود و محمدقلی خان هم در صدد رفتن به میان ایل و سفر بیلاق و قشلاق بود. چون که داوری حاضر نبود رنج سفر را تحمل کند، پس محمدقلی خان، لطفعلی خان شیرازی نقاش معروف (متوفی ۱۲۸۸ق) و میرزا آقای نقاش (آقا بزرگ شیرازی) و میرزا یوسف مذهب‌باشی را فرا خواند و تا دو سال در بیلاق و قشلاق فارس نزد خویش نگه دارد و دو نفر دیگر از اهل تذهیب را به دستگیری آنان برگزیند تا نقاشی

۲. هر صد تومان حدود یک من و نیم - چهار کیلو وزن داشت و بنابراین حدود بیست کیلو پول نقره بوده است.

۱. برخی منابع مدت زمانی که داوری شیرازی مشغول کتابت و نقاشی شاهنامه بود را پنج سال نوشته‌اند؛ حال آنکه با توجه به اولین و آخرین تاریخ‌نگاره‌های آن به نظر می‌رسد که داوری ده سال از عمرش را مشغول کتابت و نقاشی شاهنامه بوده است.

و تذهیب شاهنامه را به پایان برسانند. بیشترین نقاشی‌های آقا لطفعلی شیرازی از ۱۲۷۸ تا ۱۲۸۰ ق امضا دارد. پس می‌توان این گونه نتیجه گرفت که آقا لطفعلی شیرازی حدود سه سال برای محمدقلی خان قشقایی کار کرده است (نامه بهارستان، تابستان- زمستان ۸۵-۱۳۸۴: ۳۹۸-۳۹۵). در این مدت ایلخانی برای نگهداری این شاهنامه نفیس به واسطه بازرگانان، جعبه‌ای مخصوص از صنعتگران چینی سفارش و شاهنامه را در آن قرار داد.^۱ اما پس از درگذشت محمدقلی خان ایلخانی، شاهنامه داوری که با آن همه رنج و هنرمندی تألیف شده بود به دست ناهلان افتاد و اجزا و برگ‌های کتاب در داخل و خارج ایران پراکنده شد.^۲

شاهنامه نفیس داوری از نظر نسخه‌شناسی دارای ویژگی‌های هنری قابل توجهی است. روی جلد چرمی کتاب با چهار لچک در چهار گوشه و یک ترنج و دو سرترنج در بالا و پایین به شیوه سوخت ضربی الوان با نقوش گرفت و گیر، تزیین شده است. در ترنج، نقش گرفت و گیر شیر و آهو اجرا شده و اطراف آن با نقش گل و مرغ پر شده است. در سرترنج‌ها نیز نقش گل و مرغ اجرا شده و در چهار لچکی اطراف، نقش گرفت و گیر باز و پرنده اجرا شده و اطراف آن را گل‌هایی زینت می‌بخشد. این نقوش، به همان شیوه روی جلد، پشت جلد را نیز تزیین کرده است. داخل جلد را چرم قرمز لاکی پوشانده که دور آن جدولی به عنوان حاشیه کشیده شده و در وسط ترنج و دو سرترنج در بالا و پایین با قلم زرد ترسیم شده است. داخل این ترنج نقش گل ختایی و اسلیمی ماری و دو سرترنج با نقوش اسلیمی پر گردیده است. پس از جلد یک ورق مقوایی قرار گرفته و سپس ۵ صفحه سفید

مه‌رکشی و جدول‌کشی شده وجود دارد. این صفحات دارای دو جدولند، جدول اول مشتمل بر یک خط قرمز در وسط و دو خط نازک مشکی در دو طرف، حدود ۱۷ تا ۱۵ میلی‌متر از پایین و بالا و ۲۲ تا ۲۰ میلی‌متر، در چپ و راست با لبه کاغذ فاصله دارد. داخل این جدول باریک، جدول دومی به ابعاد ۱۷۰×۳۰۰ میلی‌متر متن نوشته را در بر گرفته که خطوطی به رنگ‌های آبی، طلایی، سبز، قرمز و مشکی به عرض ۷ میلی‌متر آن را تشکیل داده است. در صفحه شش در جدول‌های اصلی به خط نستعلیق و در چهار ستون اشعار فردوسی، در هجو سلطان محمود آمده است. دو خط نازک مشکی که فاصله آن‌ها طلایی است این ستون‌ها را از هم جدا نموده، بالای این صفحه کتیبه مذهب مرصع بسیار ظریف و دقیقی به ابعاد ۲۱×۷۵ میلی‌متر و با متن طلایی به قلم قرمز کشیده شده است. در صفحه ده، مقدمه کتاب با سرلوح مذهب مرصع بسیار ظریف و زیبایی آغاز شده است. حاشیه آن با متن مشکی و لاجوردی بسیار زیبا و خوش رنگ و داخل متن آن با نقوش اسلیمی و ختایی به صورت مثلثی در زمینه‌های لاجوردی، طلایی و رنگ کاغذ تزیین یافته است. در اطراف آن نیز تذهیبی با نقوش گل‌های ختایی کشیده شده که از زمینه سفید کاغذ استفاده شده و نقوش را طلایی و گل‌ها را با رنگ لاجوردی و سبز تزیین و قلم‌گیری کرده‌اند. در اطراف آن نیز شرفه‌هایی اضافه شده و اندازه سرلوح ۱۴۰×۱۵۸ میلی‌متر است (شریف‌زاده، ۱۳۷۰: ۲۶۹-۲۴۷). صفحات یازده تا هفده شرح حال فردوسی است. در صفحه هیجده فهرست سلاطین عجم و صفحه نوزده، اسامی پادشاهان ساسانی و مدت پادشاهی آن‌ها آمده

۲. تا جایی که می‌دانیم این کتاب در نیمه اول دهه ۱۳۵۰ ش گویا با سه میلیون تومان به دفتر مخصوص فرح واکذار می‌شود که ابتدا در موزه نگارستان و سپس در گنجینه نسخه‌های خطی موزه رضا عباسی جای می‌گیرد (نامه بهارستان، تابستان- زمستان ۸۵-۱۳۸۴: ۳۹۸-۳۹۵).

۱. ظاهراً این جعبه مخصوص پس از مدتی از میان رفت. در اواخر دهه ۱۳۴۰ ش که زنده یاد دکتر نورانی وصال، از نوادگان محمدشفیع وصال شیرازی، شاهنامه داوری را از ورثه محمدقلی خان قشقایی خریداری کرد جعبه ساخت چین را نداشته است.

به بزم اندرون گلشن دلگشای / به رزم اندرون آتش جان‌گزای
به یادش به بستان بیبالد درخت / درشتی نیارد بدو سنگ سخت
به بازو درش زور صد زنده پیل / روان از سر انگشت او رود
نیل

درفشش ز اختر درفشان تر است / دل او ز خورشید رخشان تر
است

زمین تاب گرزش ندارد همی / ستاره خلافتش نیارد همی
فتد تیغ بهرام جنگی ز دست / چو او خشم گیرد به ترکان
مست

کمندش سر ماه دارد به خم / تفتنگش دل دیو سوزد به دم
کسی جز سپرهای پهلو درست / به رزم اندرون زونیده است
پشت

سپاهی که دارد سپهد چو اوی / ز آب و ز آتش نتابند روی
بدو بخت ترکان برآمد ز خواب / ازو زنده شد نام افراسیاب
سپهر ایچدی توفراغ / ایاغینگله‌اند / کیم اولباش
ایاغینگدین [...] ایتمیز

وریپ [بختی] سخت الینگدا مهار / که هر یردا وردم [...]]
ظفر آتینکی باشه ایتدی لجام / قالپ منتظر کیم یره قویسا
کام

فلک گیچدی توفراغه چخ چوره‌سی / که بودوره گورسا
[اوننک] دوره‌سی

از او نام مردی سرافراز شد / به دستش، در آرزو باز شد
بزرگی بسی سوی هر در دوید / به غیر از در او پناهی ندید
همی تا بر این لاجوردی سپهر / فروزان بود مشعل ماه و مهر
بدو شمع دولت فروزنده باد / تن دشمنش شمع سوزنده باد

لطفعلی‌خان شیرازی و آقا بزرگ شیرازی در تکمیل
نقاشی‌ها و تذهیب‌های شاهنامه داوری نقش مهمی داشتند.

لطفعلی‌خان شیرازی در حدود سال‌های ۱۱۸۱-۱۱۸۰ش به
دنیا آمد. او که به نقاش گل‌ها مشهور است، علاوه بر تصویر
انواع گل‌ها در چهره‌پردازی و شیبه‌سازی به سبک ایرانی و

و تذهیب شده است. صفحه بیست و دو آغاز شاهنامه است
که دارای سرلوح مذهب مرصع بسیار ظریفی می‌باشد. در
ادامه کتاب، متناسب با آغاز مطالب و جلد‌های جدید
صفحات مزین به کتیبه، سرلوح مذهب مرصع، حواشی و
تذهیب در بین سطور طلائندازی و دندان‌موشی شده‌اند. در
صفحه ۱۲۰۹ لغت‌نامه‌ای شروع می‌شود که در بالای آن
نوشته شده، لغات کتاب شاهنامه مطابق آنچه در فرهنگ
جهانگیری و برهان ضبط است (شریف‌زاده، ۱۳۷۰: ۲۶۹-
۲۴۷؛ تصویر شماره ۵. داوری شیرازی در آخر کتاب و از
صفحه ۱۲۲۱ به بعد، منظومه‌ای به بحر متقارب به سبک
حماسی در ستایش فردوسی و ذکر سلاطین عجم و شرح
زحمات خود و مدح محمدقلی خان ایلخانی که نسخه را
برای او نوشته به کتابش ضمیمه نموده است که ابیات ابتدای
این شعر در ذیل می‌آید:

درد از جهاندار با فر و داد / بر او کاین همه داستان
کرد یاد
هنرمند دانای بسیار دان / حکیم جهان‌نیده
کاردان

سخن سنج فردوسی استاد طوس / که چرخ برین خاک او داد
بوس
برآرنده نام ایران به ماه / فروزنده فر شاهان
به گاه

گزارنده آسمانی سخن / نو آرنده روزگار کهن
که او فر شاهان فروزنده کرد / به نام این همه مردگان زنده
کرد.

داوری در پایان، اشعاری در مدح محمدقلی خان ایلخانی
سروده است که در ذیل می‌آید:

من این نامه را آسمانی کنم / در آن یادی از ایلخانی کنم
محمد قلی خان یل نیک زای / به ترکان کشور مهین کدخدای

فرنگی، منظره‌کشی و آرایش گلستان و دشت و چمن استادی چیره‌دست و در آبرنگ، سیاه قلم و کارهای رنگ و روغنی (قلمدان‌نگاری و جلدسازی)، تذهیب و حل‌کاری مهارت داشت. اهمیت کار لطفعلی در ترسیم گل و بوته است؛ به ویژه در ترسیم گل سرخ و شکوفه سیب و سوسن و گل دو رنگ مهارتی خاص داشت. او از برجسته‌ترین و پرکارترین نقاشان مکتب گل و مرغ محسوب می‌شود. لطفعلی خان در طول عمرش تعداد قابل توجهی از چهره زنان و مردان را خلق کرد. او آثار خود را با خط طغرا امضا می‌کرد و کمتر با خط نستعلیق در صفحه رقم می‌زده است. لطفعلی خان صورتگر که مادرش فاطمه سلطان خانم دختر حاج ابراهیم خان اعتمادالدوله بود، از حمایت و تشویق محمدقلی خان ایلخانی و مشیرالملک برخوردار بود. او در سال ۱۲۸۸ق در سن ۶۵ سالگی درگذشت و در قبرستان دارالسلام شیراز به خاک سپرده شد (فرصت شیرازی، ۱۳۷۷: ۲/۸۹۵؛ کریم‌زاده تبریزی، ۱۳۶۹: ۵۶۷-۵۶۱/۲؛ هنرهای تجسمی نقش‌مایه، شماره ۱۷، ۱۳۹۲: ۲۷-۲۶؛ رعناحسینی، ۱۳۶۸: ۲۷-۲۶).

لطفعلی خان شیرازی آثار متعدد هنری از خود بر جای گذاشت. از جمله این آثار قلمدان‌های نفیس و زیبا، مرقع‌ها، نقاشی سیاه قلم، نقاشی‌ها و تصاویر گل و مرغ و دختران و پسران، جلدسازی‌های نفیس از جمله جلد‌های قرآن کریم، اما یکی از بهترین و شیواترین آثار لطفعلی خان شیرازی، قاب آئینه مصوری است که چهره‌پردازی و گل و مرغ‌سازی را یک جا به عمل آورده و با تذهیب و آرایشی استادانه به اتمام رسانیده است. در این قاب آئینه تصاویری از گل‌ها، درخت‌هایی چون انگور، دختران، موزیکانچی، داستان شیخ صنعان و دختر ترسا و غیره در رو و پشت آن به تصویر کشیده شده است. در قسمت پایین و رویه قاب آئینه، لطفعلی خان به صورت طغرا این امضا را دارد: «راقم العبد الاقل لطفعلی

(۱۲۸۲). لطفعلی خان قاب آئینه را برای محمدقلی خان ایلخانی قشقایی درست کرده است. بنابراین در رویه قاب آئینه نوشته شده: «به جهت سرکار بلند اقتدار جلالت آثار محمدقلی خان ایلخانی دام عمره» (خلیلی، ۱۳۸۶: ۸/۱۵۸؛ کریم‌زاده تبریزی، ۱۳۶۹: ۵۶۷-۵۶۱/۲؛ هنرهای تجسمی نقش‌مایه، شماره ۱۷، ۱۳۹۲: ۳۳-۳۲). همچنین آقا لطفعلی خان شیرازی یک جلد قرآن که از کارهای ممتازش به شمار می‌آید برای محمدقلی خان قشقایی به تاریخ ۱۲۷۰ق نگارش کرد (غضبان‌پور، ۱۳۷۶: ۱۴).

در ساختمان و باغ ایلخانی در محله میدان شاه شیراز که سکونت‌گاه شهری خاندان قشقایی بود چندین تابلوی نقاشی کار لطفعلی خان شیرازی وجود داشت. در وسط یکی از اتاق‌ها، تابلوی نقاشی فتح پایتخت هندوستان توسط نادر شاه که محمد شاه تاجش را تسلیم او می‌کند و تابلوی شمایل شیخ صنعان و مریدهای باوفا و دختر ترسا و در تابلوی دیگر تصویر عرفی شیرازی و شاگردهایش گذاشته شده بودند که این‌ها از کارهای لطفعلی شیرازی بودند. همچنین سقف اتاق ارسنی باغ ایلخانی که با اشکال و نقاشی‌هایی از جمله جنگ شیر و پلنگ، شیر و اژدها و جانورهای دیگر کشیده شده است کار لطفعلی شیرازی می‌باشد (معین‌دفتر، ۱۳۹۹: ۶۵۰).

مهم‌ترین اثری که لطفعلی خان شیرازی از خود بر جای گذاشت، مشارکت در نقاشی و تصویرگری کتاب شاهنامه داوری بود. او پنجاه و پنج نقاشی مجلسی از شصت و هشت مجلس داستان‌های شاهنامه فردوسی را بین سال‌های ۱۲۷۳-۱۲۸۰ق کشید. در واقع شاهنامه داوری آخرین نسخه خطی مصور ایرانی و حاصل کار گروهی است و به سبک نسخه‌های خطی مصوری می‌باشد که در کتابخانه‌های سلطنتی سلسله‌های ایلخانان، تیموریان و صفویان با همکاری نقاشان، خوشنویسان، صحافان، مذهبیان و

حاجی میرزا علی اکبر طیب؛ ۱۳- آقا محمدباقر طیب؛
 ۱۴- حاجی محمدخلیل؛ ۱۵- حاجی میرزا بابا صراف؛
 ۱۶- آقا میرزا محمود؛ ۱۷- آقا میرزا احمد ولد مرحوم
 وصال؛ ۱۸- آقا میرزا علی صدر؛ ۱۹- آقا اسدالله ملاباشی؛
 ۲۰- شیخ ابوالقاسم؛ ۲۱- حاجی آقا میر مؤمن؛ ۲۲- شیخ
 ابوتراب؛ ۲۳- آقا بزرگ نقاش (کریم‌زاده تبریزی، ۱۳۶۹: ۶-
 ۱/۳).

از چهره چهار نفر از فرزندان جانی خان قشقایی به نام‌های
 محمدعلی خان، مرتضی قلی خان، مصطفی قلی خان و
 محمدقلی خان تابلوهای نقاشی کشیده شده است که حالت
 این پرتره‌ها به صورت تمام‌رخ، سه چهارم هیکل با حالتی
 خاص زانو زده‌اند، همراه با نمایش دست‌ها که شمشیر و
 خنجر تزیین شده در دست دارند. با لباسی خاص، رسمی
 و درباری که نام هر کدامشان در کنار چهره‌هایشان نوشته
 شده است. از سرنوشت این تابلوهای نقاشی اطلاعی در
 دست نیست، ولی آنچه که گفته شده این است که نقاشی‌ها
 کار لطفعلی شیرازی می‌باشند. اما یکی از آن تابلوهای
 نقاشی مربوط به تصویر محمدقلی خان است. این تابلو به
 ابعاد ۳۷×۸/۴۴۷ اینچ/ ۹۴×۱۱۴ سانتی‌متر بر روی پارچه
 کرباس روغنی کشیده شده است. در پس زمینه نقاشی نوشته
 شده است محمدقلی خان قشقایی ایلخانی فارس که امضای
 میرزا بزرگ شیرازی دارد (نشریه آینده، شماره‌های ۴-۱،
 ۱۳۶۹: ۲۷۲-۲۷۱؛ تصویر شماره ۶).

۵. نتیجه‌گیری

از میان افراد خاندان شاهی لو (جانی‌خانی) که بر ایل
 قشقایی ریاست می‌کردند محمدقلی خان ایلخانی (۱۲۸۳-
 ۱۲۲۴ق) از بُعد فرهنگی- هنری شخصیت قابل توجهی
 داشت. او زمانی که منصب و لقب ایل‌بیگی و ایلخانی ایل
 قشقایی و مملکت فارس را بر عهده داشت به لحاظ سیاسی
 فردی قدرتمند در لیلالت فارس در دوره قاجار بود. با توجه به

جدول‌کشان کار می‌شدند (روحانی وصال، ۱۳۱۹: ۲۹۶-
 ۲۹۴؛ باستانی‌پاریزی، ۱۳۷۲: ۱۹؛ غضبان‌پور، ۱۳۷۶:
 ۳۱-۱۶).

آقا بزرگ شیرازی دیگر شخصی است که در تکمیل
 نقاشی‌ها و تذهیب‌های شاهنامه داوری نقش داشت. او از
 نقاشان درجه اول در دوره سلطنت محمدشاه و ناصرالدین
 شاه قاجار است. آقا بزرگ با لقب نقاش‌باشی از
 نقاش‌باشی‌های دربار ناصرالدین شاه قاجار و مورد توجه و
 محبت او بود. آقا بزرگ در رشته‌های مختلف نقاشی به ویژه
 در رنگ و روغن، آبرنگ، سیاه‌قلم و کارهای روغنی (لاکی)
 مخصوصاً قلمدان‌سازی استادی ماهر بود و در شبیه‌سازی و
 چهره‌پردازی و نقاشی مناظر، دستی پر توان داشت. یکی از
 بهترین و نفیس‌ترین اثر آقا بزرگ شیرازی که شاهکار وی
 محسوب می‌شود، قلمدان تصویری بی‌همتایی است که در
 رویه و حواشی قلمدان، تصاویر رجال و مشاهیر شهر شیراز
 است. کار ساخت این قلمدان منحصر به فرد به سفارش
 نصرت‌الدوله فیروز میرزا فرمانفرما والی فارس در سال
 ۱۲۶۹ق آغاز شد. در این قلمدان تصویر ۲۳ نفر از بزرگان
 شهر شیراز و فارس از جمله سه نفر از بزرگان و خوانین
 قشقایی به تصویر کشیده شده است که نام آن افراد عبارتند
 از:

۱- محمدقلی خان ایلخانی (در وسط و رویه قلمدان)؛ ۲-
 جهانگیر خان لیل‌بیگی فرزند محمدعلی خان قشقایی (در
 وسط و رویه قلمدان)؛ ۳- لطفعلی خان سرتیپ فرزند
 محمدعلی خان قشقایی (در وسط و رویه قلمدان)؛ ۴- میرزا
 ابوالحسن خان مشیرالملک (در وسط و رویه قلمدان)؛ ۵-
 مهرعلی خان شجاع‌السلطنه؛ ۶- محمدهاشم خان
 امیردیوان؛ ۷- حاجی میرزا علی اکبر قوام‌الملک؛ ۸- حاجی
 اسدالله خان؛ ۹- میرزا ابوالحسن خان فسایی؛ ۱۰- آقا
 میرزالیبا ذهبی؛ ۱۱- میرزا کوچک خان نایب‌الصدر؛ ۱۲-

و لیلی و مجنون توسط میرزا ابوالقاسم لنجوی در دوره ایلخانی‌گری محمدقلی خان (۱۲۸۳-۱۲۶۶ق) برای محمدقلی خان قشقایی استنساخ شدند. شاخص‌ترین نمونه توجه محمدقلی خان ایلخانی به نسخ خطی و هنرهای کتاب‌آرایی حمایت‌های او از نسخه نفیس شاهنامه فردوسی معروف به شاهنامه داوری شیرازی است که توسط محمد بن وصال شیرازی معروف به داوری استنساخ شد. او از داوری شیرازی حمایت‌های مادی و معنوی کرد و برای تکمیل شاهنامه داوری از لطفعلی خان شیرازی، میرزا آقای شیرازی (آقا بزرگ شیرازی) و میرزا یوسف مذهب‌باشی کمک گرفت تا نقاشی‌ها و تذهیب‌های شاهنامه داوری را تکمیل کنند.



تصویر ۱. صفحه اول کتاب آتشکده آذر



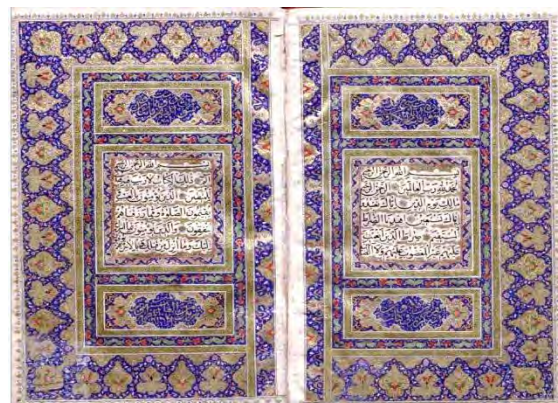
تصویر ۲. صفحه اول کتاب خلاصه عباسی

ثروتمند بودنش در ایالت فارس به ویژه در شیراز و فیروزآباد بناها و باغ‌های عام‌المنفعه و خصوصی از جمله چند باغ در فیروزآباد، کاروانسرای چنارراهدار، حسینیه ایلخانی، باغ ایلخانی و عمارت‌های آن و برخی ساختمان‌های باغ ارم را بنا کرد. محمدقلی خان که به اشیای نفیس علاقه‌مند بود اتاق مخصوصی به صورت موزه برای جمع‌آوری اشیای هنری اختصاص داده بود. او که فرد باسواد و با ذوق ادبی بود طبع سرودن شعر داشت و به شعر علاقه‌مند بود؛ به طوری که در حضورش شاهنامه می‌خواندند. محمدقلی خان ایلخانی به هنرهایی چون خوشنویسی، نقاشی و نسخه‌های خطی علاقه‌مند بود. او که انواع خطوط خوشنویسی را می‌شناخت کتاب‌های متعددی به خط استادان خوشنویسی نگهداری می‌کرد. در زمینه هنر نقاشی، محمدقلی خان تابلوهای نقاشی اثر نقاشانی چون لطفعلی خان شیرازی را نگهداری می‌کرد. او به نسخه‌های خطی و هنرهای مربوط به کتاب‌آرایی علاقه‌مند بود. با توجه به اینکه بخش قابل توجهی از رونق هنر در ایران به توجه اشراف، افراد ثروتمند و قدرتمند وابسته بود، نسخه‌های خطی چندی نیز به نام یا به سفارش محمدقلی خان ایلخانی استنساخ گردید. این نسخه‌ها عبارتند از:

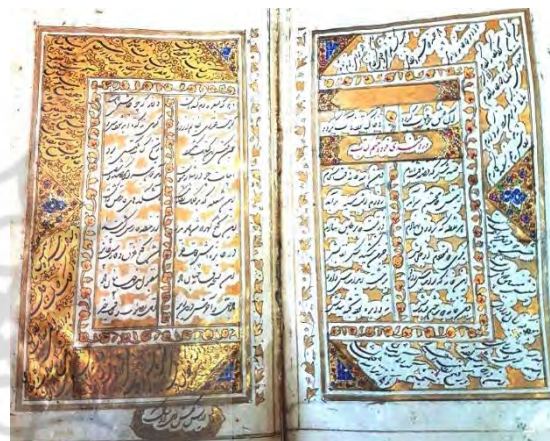
آتشکده آذر توسط محمد مهدی شیرازی (۱۲۶۴ق)، دیوان انوری ابیوردی توسط محمود حکیم شیرازی (۱۲۶۴ق)، خلاصه عباسی در ۱۲۶۵ق توسط کاتبی ناشناس، روضه‌الصفاء توسط محمود حکیم شیرازی در سال‌های ۱۲۶۶-۱۲۶۱ق، لویح جامی توسط محمود حکیم شیرازی (۱۲۶۸ق)، سبحة‌الابرار و طریق التحقيق توسط آقا فتحعلی حجاب شیرازی و محمود حکیم شیرازی (۱۲۷۰ق)، قرآن مجید توسط غلامعلی اصفهانی (۱۲۷۱ق)



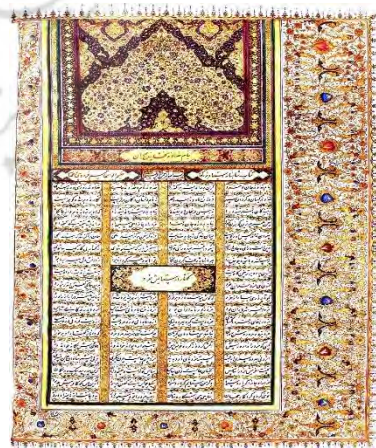
تصویر ۶. نقاشی محمدقلی خان ایلخانی



تصویر ۳. صفحه‌های ابتدایی کتاب قرآن مجید



تصویر ۴. صفحه‌های ابتدایی کتاب لیلی و مجنون



تصویر ۵. صفحه ابتدایی کتاب شاهنامه داوری شیرازی

کتابنامه

- آتشکده آذر، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی قم، ۱۳۲۶۱.
- آینده، «تصویر حاج محمدقلی ایلخانی فارس»، سال شانزدهم، شماره‌های ۴-۱، (فروردین- تیر ۱۳۶۹).
- ابرلینگ، پیر، کوچ‌نشینان قشقایی فارس، ترجمه فرهاد طیبی پور، تهران: پردیس دانش، ۱۳۹۳.
- امداد، حسن، تاریخ آموزش و پرورش در فارس از عهد باستان تا دوره معاصر، شیراز: نوید شیراز، ۱۳۸۵.
- باستانی پاریزی، محمدابراهیم، شاهنامه آخرش خوش است، تهران: عطایی، ۱۳۷۲.
- بهادری قشقایی، داریوش خان، موضوع: باغ ارم، مصاحبه، تاریخ مصاحبه: خرداد ۱۴۰۲، محل مصاحبه: شهر صدر، مصاحبه‌کننده: منصور نصیری طیبی.
- بهروزی، علینقی، «بناهای ایلخانی»، نشریه پارس، سال ۳۵، شماره ۴۰۷۱، دوشنبه ۲۲ فروردین ۲۵۳۶.
- پرهام، سیروس، «نسخه برگردان شاهنامه داوری»، مجله نامه بهارستان، تابستان- زمستان ۱۳۸۴-۱۳۸۵.
- حاجی پیرزاده، محمدعلی، سفرنامه حاجی پیرزاده، به کوشش حافظ فرمانفرمایان، ج ۱، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۲.
- حسینی فسایی، حاج میرزا حسن، فارسنامه ناصری، تصحیح و تحشیه منصور رستگار فسایی، ج ۲، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۷.

- حسینی مطلق، سیده ملیحه، «نگرشی پیرامون نقاشی گل و مرغ با تاکید بر آثار آقا لطفعلی صورتگر شیرازی»، نشریه هنرهای تجسمی نقش‌مايه، سال ۷، شماره ۱۷، زمستان ۱۳۹۲.
- خلاصه عباسی، کمام (کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی)، ۸۵۵.
- خلیلی، ناصر، کارهای لاکي (مجموعه هنر اسلامی)، سرویراستار انگلیسی جولیان رابی، ترجمه سودابه رفیعی سخایی، ج ۸، تهران: کارنگ، ۱۳۸۶.
- داوری شیرازی، محمد، دیوان داوری شیرازی، به اهتمام نورانی وصال، بی‌جا: وصال، ۱۳۷۰.
- درایتی، مصطفی، فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنا)، ج ۱۳-۲۷، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۱.
- دو سفرنامه از جنوب، تصحیح سید علی آل‌داود، تهران: امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۷۷.
- دیوان انوری ابیوردی، کتابخانه عمومی رئیسی اردکانی شیراز، ۶۶۶.
- دیوان بیگی شیرازی، سید احمد، حدیقه الشعرا (در شرح احوال شاعران دوره قاجاریه از ۱۲۰۰ تا ۱۳۰۰ ق)، به تصحیح عبدالحسین نوابی، ج ۱، تهران: زرین، ۱۳۶۶.
- رعناحسینی، کرامت، «آقا لطفعلی خان صورتگر شیرازی»، نامه صورتگر (مقالات و اشعار صورتگر)، گردآورنده کوکب صورتگر (صفاری)، تهران: خوشه، ۱۳۶۸.
- روحانی وصال، علی، گلشن وصال، تهران: شرکت طبع کتاب، ۱۳۱۹.
- روضه‌الصفاء، ساکما (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران)، ۱۱۰۵۰-۵.
- سبحة‌الابرار و طریق‌التحقیق، کتابخانه کاخ گلستان تهران، ۵۲۲/۱.
- شاهنامه داوری شیرازی، موزه رضا عباسی تهران، ۵۹۹.
- شریف‌زاده، سید عبدالمجید، نامورنامه، زیر نظر محمد ابوذری، تهران: معاونت پژوهشی با همکاری اداره کل موزه‌های تهران و سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۰.
- شهبازی، شهباز، قشقای شعر یا آثار شعرای قشقای، شیراز: چاپخانه مصطفوی شیراز، ۱۳۶۷.
- ظل‌السلطان، مسعود میرزا، سرگذشت مسعودی، به کوشش حسین خدیوچم، ج ۱، تهران: اساطیر، ۱۳۶۸.
- غضبانبور، جاسم، آقا لطفعلی صورتگر شیرازی، ترجمه فیروزه مهاجر، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۶.
- فرصت شیرازی، محمدنصیر، آثار عجم، تصحیح و تحشیه منصور رستگار فسایی، ج ۲، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۷.
- فضائلی، حبیب‌الله، اطلس خط (تحقیق در خطوط اسلامی)، اصفهان: مشعل، ۱۳۶۲، چاپ دوم.
- قرآن مجید، کتابخانه و موزه ملی ملک تهران، ۴۸.
- قوام‌الملک، محمدرضا خان، تاریخ قوام‌الملک، تصحیح غلامحسین مهرابی دارابی و پروانه کیانی، شیراز: شاه‌چراغ، ۱۳۹۶.
- کریم‌زاده تبریزی، محمدعلی، احوال و آثار نقاشان قدیم ایران و برخی از مشاهیر نگارگر هند و عثمانی، ج ۲، لندن: مستوفی، ۱۳۶۹.
- کشکولی، حاج عباسعلی خان، وقایع ایل قشقای به روایت حاج عباسعلی خان کشکولی، به کوشش نصیری طیبی و بابک زیلاب‌پور، تهران: نامک، ۱۴۰۱.
- لویح، کتابخانه کاخ گلستان تهران، ۷۸.
- لیلی و مجنون، کتابخانه سلطنتی کاخ گلستان تهران، ۴۳۳.
- معین‌دفتر، میرزا نصرالله خان قهرمانی، تاریخ ایل قشقای: خاطرات میرزا نصرالله خان قهرمانی، به کوشش کاوه بیات، تهران: نامک، ۱۳۹۹.
- نوابی، ماهیار، خاندان وصال شیرازی، تبریز: چاپخانه شرکت سهامی چاپ کتاب آذربایجان، ۱۳۳۵.
- Augustus, A Journey Through H. Mounsey, the Cascau and The Interior of Persia, London, Smith, Elder & Co, 15, Waterloo Place. 1872.